

### کابینه پیر و تله تجربه

- مانمانه «اندیشه‌پویا» به نقل از صادق‌الحسینی، سال ۱۳۹۸ را سال شوک عظیم به نظام حکمرانی کشور خواند و یادآور شد اما نقطه امیدواری اینجاست که عظمت شدت شوک واردشده، سیاست‌گذاران را از خواب غفلت بیدار کرده باشد.

- در این مقاله آمده است:
- سال ۱۳۹۸ برای ایران سال سرنوشت بود. سالی سیاه با مشکلاتی بزرگ، پدشاسنی های تاریخی، پر از عذاب و مملو از درد و خون، البته برهه پر از ویروس، عظمت مشکلات و مسایلی که در سال ۱۳۹۸ اتفاق افتاد بزرگتر از قاره نظام حکمرانی کشور بود. هرچند در چند مقطع در تاریخ صدسال اخیر ایران، سال‌های شیشه سال ۱۳۹۸ یا حتی بدتر از آن داشته ایم. اما سال ۱۳۹۸ از جهات بسیاری یک سال متمایز خواهد شد که تاریخ ایران را تقسیم خواهد کرد.
- سال ۱۳۹۸ با سیل عیدسوز و بنیان برانگن در شمال و جنوب آغاز شد و متأسفانه سبب از بین رفتن تعداد زیادی از هوطنان و البته به چشم آمدن مدیریت ضعیف اجرایی در استان‌ها شد، به طوری که نظام حکمرانی محلی و استانی در تک تک استان‌ها در معرض آسیب، اشتباهات پدبهی و غرق‌بیل جریان داشتند و با انتقادات جدی روبه‌رو شدند. هم‌زمان با سیل، اوج تحریم‌ها نیز پنجه به روی نظام حکمرانی کشور می‌کشید.
- در این برهه حساس، روابط خوب و حسنه دولت ایران با دنیا خصوصاً اروپا هیچ کمکی به تخفیف تحریم‌های ظالمانه امریکانکرد و نظام حکمرانی سیاست خارجی کشور به زیر سوال رفت.

- سال ۱۳۹۸ با تورم پنجاه درصد ادامه یافت و به رشد اقتصادی منفی نه درصد رسید که برای بی اعتبار شدن نظام حکمرانی اقتصادی کشور کافی بود، اما قضیه به همین جاختم نشد با تصمیم‌های فرصت اقتصادی دولت، حوادث آبان درپی آمد؛ حوادثی که عملاً امکان هرگونه تصمیم‌گیری در حوزه سیاست‌گذاری اقتصادی را از مادتبی مدعی ناممکن یا بسیار سخت و پرهزینه ساخت. در حالی که تصور می‌شد آبان انتهای تلخی‌های این سال باشد اما ماه‌های بعد از آن تلخی‌ها و سختی‌های بسیار دیگری هم داشت. نماد حکمرانی خرمدن نظامی کشور به شکلی ناباورانه و ناچوارنادرانه ترو رو شد و کشور در آستانه جنگ قرار گرفت. در حالی که ایران می‌توانست از همگرایی داخلی ایجادشده برای استحکام و قدرت داخلی استفاده کند تا به کمک آن اصلاحات مورد نیاز را اجرایی سازد. در گردباد حوادث، اتفاقی عجیب تر افتاد که در تاریخ جنگ هشتت ساله ایران هم نظیرش دیده نشده بود؛ شلیک مرمی به هوپمای‌ای لوکزامبی و شهادت هوطنان، اما هنوز ذایع هوطنان پرواز اوکراینی فروکش نکرده بود که ویروسی جهنده و کشنده وارد کشور شد که به موقع نسبت به آن واکنش نشان داده نشد. کشور در برابر آن آماده نبود و به نظر می‌رسید قدرت ویروس بسیار بیشتر از قدرت نظام حکمرانی سلامت کشور ماست و البته هیچ‌کس توقع ندارد قدرت کی ویروس بیش از قدرت نظام حکمرانی کشورش باشد. از دیگری، عملکرد ضعیف، غرق‌بیل بعد از این مسفند انگیز مجلس و همچنین انتخابات مجلس و حواشی فراوان آن نیز بیش از هر چیز ناکارایی نهاد پارلمان را به رخ همگان کشید و نظام تقنین را به زیر سوال برد. فساد گسترده و ظهور و بروز آن در سال ۱۳۹۸ از دیگر چهره‌های زشت این سال بود. غرل فساد بی‌محابا در سال ۱۳۹۸ پیش‌رفت و به غربانی‌خورد را به مردم نشان داد. همه این زشتی‌ها، تلخی‌ها و ناگامی‌ها به دلیل ضعف شدید در نظام حکمرانی رسانه در کشور و قدرت و نفوذ بالای رسانه‌های خارجی فارسی‌زبان نمودی صدچندان یافته و ناراحتی، خشم و بی‌اعتمادی شدید را در میان مردم سبب شد. در این شرایط، مجموعه تصمیم‌گیران کشور بیش از هر زمان دیگری مشغول جدال‌های بی حاصل و دعواهای غافلانه‌ای هستند که کمترین چیزی را که در میان این جدال‌ها از دست می‌دهند امید مردم به پیداشدن راه‌حلی برای اصلاح نظام حکمرانی کشور است. سال ۱۳۹۸، سال شوک عظیم به نظام حکمرانی کشور بود، اما نقطه امیدواری اینجاست که شدت شوک واردشده و عظمت آن، سیاست‌گذاران را از خواب غفلت بیدار کرده باشد. امید آنجاست که ظرفیت‌های بالای ایران دیده شود و با این ظرفیت‌ها، راه‌حلی راه‌حل برای حرکت به سمت و سوی جدید پیش‌کش شود و این سیاست‌ها سخت، آسان‌های بزرگ می‌خواهد و تغییر عادات کهن، تغییر عادات البته سخت است اما ایران نشان داده که انعطاف‌پذیری بالایی دارد و در گذرگاه‌های خطرناک تاریخ از خود رفتاری بسیار متفاوت بروز می‌دهد. باید امیدوار بود، اما از یک‌جایا باید شروع کرد؛ پدبهی این نظام‌های حکمرانی در خلأ مترلد نمی‌شوند. البته تعاقب چارچوب نهادهی هر کشور هستند که در خود نتیجه‌توان‌قوار در آن کشور است، بنابراین ارائه پیشنهادهایی که بسیاری فراتر از هاضمه‌ای چارچوب نهادهی‌باند و بیشتر حاصل آرزوهای دور و دراز روشنفکران، مدنظر این نوشته نیست. پیشنهادهایی که ارائه می‌شود، پیشنهادهایی حادقلی برای اصلاح هستند که به اعتقاد نگارنده در همین چارچوب نهادهی هم قابلیت اجرا دارند.



## آینه‌رسانه‌ها

KHABAR-E-JONOUB MORNING NEWSPAPER



### انقلاب ما بستگی به مساجد دارد

در کنار مسایل نظامی و مبارزات در عرصه‌های نبره، آنچه سردار شهید حاج قاسم سلیمانی را متفاوت کرده بود نگاه خدایی و توجه به ایجاد دینی و اسلامی جامعه بود. در اینجا مروری بر بخشی از سخنرانی سردار شهید سلیمانی در جمع ائمه جماعات و واژهیم داشت که در مجله «سروش» آمده است:
این تصویر معروف شهید حججی که یک داعشی در پشت او قرار گرفته و او را اسیر کرده است را همه دیده‌اند. این دو چهره یعنی آنکه می‌خواهد ذبیح شود که شهید حججی است و آنکه ذبیح است که همان داعشی است. هر دو نمره مسجد هستند؛ منتهی آنکه ذبیح می‌شود نمره یک نوع مسجد است و آنکه ذبیح است، نمره مسجد دیگری است! همه دعوی‌ما در عالم اسلام با غرب بر سر یک مسجد است و همه و جدت ما در عالم اسلام هم بر سر یک مسجد است. همه این جنگ‌ها و همه این ترطنه‌های علیه عالم اسلام بر سر مسجدالاقصی است و همه آن چیزی که می‌تواند عالم اسلام را وحدت دهد بر سر یک مسجد است که آن مسجدالحرام است. این را اگر بخواهیم گسترده‌اش کنیم جای بحث اساسی دارد. مسجد در حقیقت حیات دینی، سیاسی و اجتماعی عالم اسلامی است.

**نوع سوخ مسجد در عالم اسلام**

ما در عالم اسلامی سه نوع مسجد داریم و نمره‌های آن را هم مشاهده می‌کنیم. سه نوع مسجد که در عالم اسلامی فعال هستند در کشور ما هم وجود دارند؛ نوع اول مسجد، مسجدی است که در آگاه‌سازی و تربیت می‌کند و در دو بعد از اسلام دفاع می‌کند. اول گزاشتند و تهاج فرهنگی را مقابله‌ای با تهاج فرهنگی که امروز خیلی پیچیده می‌رسبری می‌فرمایند و موبوعات گوناگون را نامگذاری می‌کنند. خیلی از حکمت‌های عمیقی برخوردار است. ناتوی فرهنگی، شیخون فرهنگی و تهاج فرهنگی کلماتی هستند که پیدارکننده‌اند و مانند یک فریاد و داد است. شما وقتی یک حادثه‌ای را مشاهده می‌کنید اگر با صدای آهسته نتوانید افراد را آگاه کنید، داد می‌زنید. معنای کلمه شیخون فرهنگی همان داد و فریاد است که اگر کسی در خودش یک ذره توجه داشته باشد، می‌تواند به عمق آن پی‌برد که یک جوان احساسی این حرف را نمی‌زند، بلکه یک مرجع تقلید و یکی ولی قبیله و شخصیتی که بیش از هفتادسال در سننر اسلام رشد کرده و رشد ایجاد کرده است این حرف را می‌زند. یک مسجد دیگر هم‌زمان که با تهاج فرهنگی مقابله می‌کند تربیت مدافع هم می‌کند. هم تربیت مدافع فرهنگی می‌کند هم برای ایثار و فداکاری نیرو تربیت می‌کند. آنجایی که قرار شد دفاع نظامی و امنیتی بکند، این روح و این آمادگی در نیروهای وجود داشته باشد. این کار در دو دولت‌ها و ساختارهای دولتی و پارلمان و وزارتخانه نمی‌شود، بلکه فقط در مسجد می‌شود. ما پیروزی مان را در جنگ هشت ساله مدیون مسجد هستیم. البته وقتی مسجد می‌گوییم منظورمان یک‌نمره مسجد نیست که مقدس هم هست، بلکه منظورمان امام آن مسجد هست که در مسجد امام جماعت است و در راس آنها امام جامعه یعنی مقام معظم رهبری هستند.

**مسجدی با وظیفه انتقار ماشین اسلام!**

یک مسجد دیگر هم داریم که وظیفه‌اش انتقار ماشین اسلام است و آن مسجدی است که ائمه تکفیری بر آن سوار هستند و نتیجه‌اش تولد مولود نامبارک خبیثه‌ای است که به نام داعش و جبهه‌النصره در سطوح گوناگون می‌بیشم. این سه نوع مسجد هستند که

## واکنش دلوایسان در سال جدید شروع شد؛ این بار به خاطر شوخی‌های سریال پایتخت

# بعید است بتوانید در این اوضاع و احوال خندیدن را قدغن کنید!



عبور کرده و بسیاری از آن‌ها را فرسنگ‌ها جا به جا کرده است.»

فارغ از انتقادهایی از این دست، حقیقت آن است که صدا و سیما در سال جدید در دستورالعملی نا نوشته به برنامه‌سازان خود گفته دستشان برای شوخی باز است؛ نمونه آن شوخی‌ها و طعنه‌هایی است که در برنامه‌های مثل «عصر خنده» و «احسان علیخانی»، «دوره‌هی» و «مهران مدیری»، «دو بزمه چک» «عبدا.. روا ...» می‌شود. این شوخی‌ها البته در سریال پایتخت بسیار پر رنگ تر است. یادآوری کلیپ مشهور پیرمردی که با عبارت «یک به یک شما» فحش می‌داد،

شوخی‌های سریال پایتخت ۶ چندان به مذاق بدنه اصولگرای جامعه خوش نیامده است. از دو شب پیش نیروهای ارزشی در توییت‌های مداوم نوشته‌اند جلوی پخش این سریال باید گرفته شود زیرا با مقدسات شوخی کرده است. آخرین قسمت سریال پایتخت، یکی از پر حاشیه‌ترین قسمت‌های ایران سریال در طول ۶ فصل بود چه آن که از شب گذشته تیزرهای اصولگرا با تمام نیرو در حال تاختن به این سریال هستند؛ این اتفاق در حالی افتاده که تهیه‌کننده این سریال در فصل قبل موسسه «اوج» وابسته به سپاه بوده و تمام پیام آن در طول آن فصل، تأیید رسانه‌ای مبارزه ایران با داعش در خارج از مرزها بوده است. با این پیشینه، حمله نیروهای ارزشی به سریال پایتخت را باید جدی گرفت. در قسمت اخیر سریال پایتخت، نقی معمولی از مکه باز می‌گردد و طنزهای که نویسنده درباره آداب و مناسک حج به کار برده (از جمله استفاده از دبه چهار لتری یا یک کار بردن واژه‌های ته استکانی برای تقسیم آب زمزم و حتی نحوه ریختن آب در استسکان‌ها و …) برای برخی از مخاطبان چندان خوشایند نبوده است. برخی کاربران البته به خواندن ترانه «آقامون جنتلمنه» از خواننده لس آنجلسی در این سریال انتقاد داشتند و آن را انحطاط فرهنگی خواندند و نوشتند وقتی بچه‌های دبستانی این آهنگ را می‌خوانند، چ‌را تلویزیون ایران باید آن را پخش کند.

دلوایسان معمولاً به هر سکانس، به هر شوخی و هر حرکتی با دیده تردید نگاه می‌کنند و می‌گویند «سریال شبکه‌های ماهواره‌ای را تطهیر کرد»، «آداب حج را به طعنه گرفت»، «به لشجه مردم شمال توهین کرد» و خلاصه مردم را بد خندانند.

حسام الدین آشنا مشاور رسانه‌ای روحانی در توییتی نوشت: «مجموعه پایتخت در حال بازنمایی رنگ‌های پستمد ایرانی در آخرین سال‌های قرن جاری است. سریال پایتخت بسیاری از خطوط سبز و سفید و قرمز صدا و سیما

امروز هفتم فروردین سالروز تولد

مروح خسرو شکیبایی، بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون است. همین بهانه‌ای است برای این که تلویزیون فیلم سینمایی «هامون» را در کنداکتور پخش شبکه نمایش قرار دهد. به همین منظور نگاهی به زندگی هنری این هنرمند انداختیم.

جنگ ۸ ساله ایران و عراق تازه به اتمام رسیده بود و در همان زمان داریوش مهرجویی، که گوشه‌ای از شناسنامه سینمایی ایران است، اعلام کرد که برای حضور در هشتمین جشنواره فیلم فجر، قرار است فیلمی به نام «هامون» بسازد، فیلمی که بسیاری درخشید و سالیان سال تولد تلویزیون در ایام عید و به بهانه استند شکیبایی که ۷ فروردین ۱۳۲۳ است، آن را پخش می‌کند. فیلمی که حالا تعداد حلقه‌های مفقودی بازیگرانش، از جمله عزت‌ا..، انتظامی و خسرو شکیبایی، به تعداد انگشتان یک دست رسیده.

«هامون» روایت دغدغه‌های جوانان بعد از انقلاب است و در همین میان هم یک درام عاشقانه را روایت می‌کند و به تصویر می‌کشد، روایتی که به گفته کارگردان این فیلم از کتاب «بوف کور» اثر صادق هدایت الهام گرفته شده است.

فیلمی که هم دیدگاه جدیدی را در فیلم‌های سینمایی ایران به تصویر کشید و هم نقطه درخشش تازه‌ای برای خسرو شکیبایی بود. برای شکیبایی جوان که پیش از آن خیلی شناخته شده نبود و بیشتر فعالیتش به روی صحنه تئاتر منحصر می‌شد

در تلویزیون جمهوری اسلامی بسیار دور از ذهن بود اما در سکانس دعای نقی معمولی در سریال پایتخت عینا اجرا شد.

سبروس سمدان و محسن تنابنده با فراغ‌بال شوخی‌های خود را در حوزه‌های مختلف انجام می‌دهند؛ شوخی با حسن روحانی (استفاده از اصطلاح معروف صبح جمعه با خیر شدن از افزایش قیمت بنزین)، شوخی با چهره‌هایی که با اطلاعات و اصولگرایی نزدیک هستند و از منافع آن‌ها استفاده می‌کنند؛ شوخی با برنامه‌فرمایید شام شبکه ماهواره‌ای یا شوخی با آیت‌ا... حتی در تاملظ‌واژه‌سالتزنیفریژ با سلفی نمابندگان یا مورگینبی نمونه‌ای از همین شوخی‌ها بود که اتفاق بسیار پر بازتاب بود اما گویا سازندگان سریال پایتخت از خط قرمز نیروهای ارزشی عبور کرده‌اند و این خوشایند این جریان نیست و به همین دلیل است توییت‌های کاربران ارزشی از همان لحظه پخش سریال آغاز شد و نگذاشتند آن قسمت سریال به پایان برسد. پایتخت با ۵ حمایت سپاه و نهادهای فرهنگی وابسته به آن سریال با هدف لزوم حضور نظامیان ایران در سوریه به‌پخش شد، به همین دلیل نیروهای اصولگرا معتقدند سازندگان سریال پایتخت نمک خورده‌اند و نمکدان شکسته‌اند.

چندی پیش سریال «کتونی زرنگی» ساخته علی ملاقلی پور به خاطر اظهار نظرهای سیاسی او در میانه پخش متوقف شد. سریال پایتخت فعلاً در چنین شرایطی قرار گرفته و باید دید سبل انتقادات کاربران ارزشی توییت‌ر در انتقاد به شوخی‌های این سریال، چه تأثیری در پخش آن دارد. به نظر می‌رسد با توجه به شرایط جامعه، بعید است کسی بتواند جلوی پخش سریالی که فعلاً قرار است مردم را به هسر تربیتی بخشداند، بگیرد اما اصولگراییان ارزشی نشان داده‌اند نقد آن‌ها همیشه ضمانت اجرایی داشته و پس از نقد رسانه‌های آ‌ها، با فیلمی یا پرده‌پایین‌کننده می‌شود یا جلوی سریال گرفته می‌شود یا یکی از رسانه‌ها توقیف می‌شود.

سیمرغ بلورین بهترین آهونس فیلم و حتی جایزه ویژه هیأت داوران بهترین فیلم را نیز از آن خود کرد تا ثابت کند «هامون» یک درخشش ماندگار در سینمای ایران است. حالا اما ۱۲ سال از سفر ابدی خسرو شکیبایی می‌گذرد و همچهی یاد و خاطره‌اش در اش در سینمای ایران زنده است. هنرمندی که ایفای نقش در ۴۰ فیلم سینمایی را در کارنامه حرفه‌ای خود دارد، صدایش با اشعار معروف کره خورده و برای بسیاری از ما خاطره‌ساز است.

خسروشکیبایی در همان ابتدا هم وارد سینما شد با یک اقبال عمدی بی نظیر مواجه شد، اقبالی که هم ناشی از شخصیتش بود و هم ناشی از هنر بی نظیرش و در بازیگری‌امسا او تلاش کرد تا به نقاط بالاتری برسد، پیش‌رفت و در سال ۱۳۷۳ با بازی در فیلم «کیمیا» به کارگردانی احمد رضا درویش، توانست برای دومین بار سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد را در سیزدهمین دوره جشنواره فیلم فجر، از آن خود کند.

در بیست و سومین جشنواره فیلم فجر هم شکیبایی برای بازی در «سالاد فصل» فریدون جبرانی، سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد را از آن خود کرد. این بازیگر فقید در سال ۵۴، یعنی یک سال بعد از اولین حضور خود در فیلم کوتاه «کیمیه»، به دعوت احمد رضا اصلانی در سریال «سوک عیار» ایفای نقش کرد و پس از آن در سریال‌هایی چون «لحظه»، «کوچک جنگلی»، «خانه سبز»، «روزی روزگاری»، «خانه سبزر»، «کاکتوس»،

پنج شنبه ۷ فروردین ماه ۱۳۹۹ شماره ۱۳۵۵ |



### انتخابات، مشارکت و دیگر هیچ!

مانمانه «ایران فردا» در سرمقاله آخرین شماره خود که از سوی شورای سردبیری نوشته شده، «انتخابات، مشارکت و دیگر هیچ» را عنوان مقاله اش قرار داده است.

در بخشی از این سرمقاله می‌خوانیم:

با انتشار نتایج انتخابات از سوی وزارت کشور، چهل و هشت ساعت پس از ساعات پایانی روز رأی‌گیری، همان‌طور که انتظار می‌رفت میزان مشارکت واچدین شرایط در سطح ملی کاهش داشت. دامنه کاهش نرخ مشارکت (نسبت رأی‌دهندگان به کل واچدین شرایط رأی‌دادن) در استان‌های کشور در حداقل ۱۰ تا ۲۵ درصد و در کل کشور حدود ۱۰ درصد گزارش شد. فارغ از اگر و اماها درباره ارقام گزارش شده به ویژه افزایش تعداد رأی‌دهندگان و کاهش تعداد واچدین شرایط که اولی‌صورت کسر و دومی مخرج کسر نرخ مشارکت را تشکیل می‌دهند، ظاهراً آنچه نمی‌توان انکار کرد کاهش نرخ مشارکت است.

وزیر کشور در تبیین این روند به اعتراضات آبان‌ماه، ناراضی‌ان از وضعیت اقتصادی، شیوع بیماری کرونا و امثال آن اشاره کرد. اگرچه تبیین علل و عوامل تمایل مردم به مشارکت در انتخابات از اهمیت بسیار برخوردار است اما سوالات و مسایل در این زمینه منحصر به سوال موده اشاره نیست. برای مثال چرایی اهمیت مشارکت در انتخابات، اثرات کاهش نرخ مشارکت در تحولات آینده ایران و کاربرد مشارکت در توسعه ایران نیز سوالات مهم دیگری هستند که پاسخ به آنها می‌تواند تبیین روشنی از وضعیت کنونی و چشم‌انداز آینده ارائه دهد.

مشارکت، حق انسانی است و از نظر انسان‌شناختی به آزادسازی و اعتماد به خوشتن انسان و از نظر کاربردی به بسپج و نقش آفرینی توده‌های انسانی در حیات اجتماعی منجر می‌شود.

عده‌ای مشارکت اجتماعی را به منایه و سیسله و اثر تبعی توسعه می‌دانند. از این منظر تمایل به مشارکت بالا در مناطق کمتر توسعه‌یافته‌ای مثل کهگیلویه و بویراحمد در مقایسه با مشارکت پایین در مناطق توسعه‌یافته مثل شهر یا استان تهران را چگونه می‌توان توضیح داد؟ برخی صاحب‌نظران این تناقض را ناشی از ماهیت و سطح مشارکت می‌دانند و معتقدند هرچه سطح مشارکت نازل‌تر باشد و منحصر به سطح توده‌ای برای انداختن رأی در صندوق‌ها شود، از معناداری رابطه توسعه‌یافتگی و مشارکت کاسته می‌شود.

گروهی مشارکت را بسه‌منایه هدف و فضیلت مدنی عستوان می‌کنند. در کل، مشارکت از منظر نظام‌مندی و کارکردی، سازوکاری برای بقا و توسعه نظام اجتماعی است.

عده‌ای مشارکت را فرآیند آگاهانه تقسیم قدرت و منابع‌کیباب و فراهم‌سازی فرصت برای رده‌های پایین جامعه جهت بهبود شرایط زندگی آنها عنوان کرده‌اند. امروزه کمتر حکومتی، اگرچه استبدادی و اقتدارگرا، انتخابات را نفی می‌کند. بنابراین تفاوت‌ها در کیفیت برگزاری انتخابات، جایگاه پارلمان در ساختار نظام سیاسی و الگوی دموکراسی است. تفاوت نظام‌های سیاسی در این زمینه‌ها گاه تا مرز تضاد کامل پیش می‌رود.

مردم ایران طی صدسال گذشته دو انقلاب بزرگ را تجربه کردند و در تمام این سال‌ها حضور مردم در عرصه سیاسی قابل توجه بوده است. اعتراضات سیاسی، نهضت‌های انقلابی و قیام‌هایی که شکل گرفته است همگی از تمایل بی‌حد مردم برای مشارکت در عرصه سیاسی برای تحقق دموکراسی حاکمیت دارند. پس چرا امروز که نظام از مردم می‌خواهد تا حتی اگر در مورد مشروعبت آن تشکیک می‌کنند به خاطر ایران و منافع ملی در انتخابات شرکت کنند، از مشارکت در انتخابات نامبندگن خود در مجلس شورای اسلامی استقبال نمی‌کنند. چرا از هر چهار شهروند واچد شرایط رأی‌دادن در پایتخت حداکثر تنها یک نفر پای صندوق‌های رأی می‌رود.

شواهد موجود نشان می‌دهد میزان قدرت مقادعاستازان نظام در نشان‌دادن اهمیت انتخابات و مزیت‌های آن به مردم کاهش یافته است. در شرایط کنونی تغییرات اجتماعی در ایران رقیابی جدی را در برابر نظام و حامیان مشارکت در انتخابات قرار داده‌اند. این اساسی بی‌بنی می‌شود روندی که به دلایل مختلف شهروندان با رأی‌است. برای مشارکت در روندهای رسمی بازداشته، در صورت حفظ وجود و دست‌نزدن به اصلاحات‌ساختاری، تداوم داشته باشد. شهروندان به ذنباط راه‌های مؤثرتری برای دستیابی به زندگی بهتر در آینده هستند. بی‌تردید هر تفسیر و توجیهی از ایسران و مناسک ملی بدون توجه به گرایش قدرتمند و پرنسزری جامعه ایران برای ایجاد تغییر، شانس کمی برای متقاعدسازی مردم برای مشارکت در روندهای رسمی در آینده نیز نخواهد داشت.

## واکنش دفتر تبریزیان

## به حکم جلب طلبه فعال طب اسلامی

دفتر تبریزیان روحانی مدعی طب اسلامی با صدور بیانیه‌ای نسبت به حکم جلب مرتضی کهنسال، از مدعیان این تسوع فعالیت که به تازگی حضور وی نیز بیماریان مبتلا به کرونا و خوراندن ماده‌ای نا مشخص به آنان، جنجال بسیار آفرید، واکنش نشان داد.

در اسین بیانیه که در کانال‌های خبری منتشر شده، آمده است: «متأسفانه با خیر شدیم که یکی از بیمارانی که این فعال طب اسلامی ملاقات کرده و کمی گلاب محمدی جهت کاهش استرس و اضطراب ناشی از ترس ایجاد شده توسط پزشکان از ویروس کرونا به او دادند، فوت نمودند». در این بیانیه ادعا شده است که «کهنسال هیچ دخالت درمانی برای این افراد انجام نداده و هیچ داروی خاصی برای بیماران تجویز نکرده، صرفاً جهت کاهش اضطراب و استرس بیماران سه آن‌ها مقداری گلاب جهت بویدن دادند که در تحقیقات متعدد در کاهش استرس و اضطراب مؤثر است». پیش‌تر برخی کاربران فضای مجازی گزارش کرده بودند که وارد روز اول فروردین فرد معمعی بدون کسب مجوز و رعایت نکات ایمنی در داروهای ششید بهشتی انزلی شده و با ادعای درمان از طریق طب اسلامی از بیماران خواسته بود که ماسکشان را کنار بزنند و محلولی را به صورت بیمارانی می‌زد و از این اقدام خود قیلم تهیه کرده و در فضای مجازی منتشر کرد. وی در فیلم منتشر شده توسط خودش در شبکه‌های اجتماعی، با انگکشت غیر بهداشتستی خود در ظرفی می‌زند که به گفته این کارشناس، باید با همین انگکشت به صفا نقر دیگر هم زده است سپس همین انگکشت را درون لیب و بینی بیمار می‌زد اما قیلم‌کننده همین انگکشت پر از عفونت را مجدداً به اطراف دهان و بینی بیمار دیگری می‌کشید و پزشکان را تاوان از درمان عنوان کرده و به سفره گرفته بود.

سازمان نظام پزشکی کشور نیز در پی این موضوع به حضور مدعیان طب اسلامی بر بالین بیمارانی مبتلا به کرونا اعتراض کرد و آن را مصداق بارز تشویش اذهان عمومی دانست و خواستار برخورد مقام‌های قضایی با این مسئله شد. محسن شریفی، جوانی که مورد عیادت این مدعی طبابت اسلامی قرار گرفته بود، صبح روز گذشته در بیمارستان انزلی درگذشت. رسانه‌ها از صدور حکم جلب کهنسال از سوی مقام قضایی استان گیلان خبر داده‌اند اما هنوز گزارشی از بازداشت احتمالی وی یا دیگر اقدامات مشابه قضایی علیه این فرد منتشر نشده است.

## شرایط مرخصی کارمندان دولت در دوران کرونا

سازمان اداری و استخدامی کشور در خصوص نحوه حضور یک سوم از کارکنان دولت در دستگاه‌های اجرایی تا ۱۵ فروردین اعلام کرد: بر اساس مصوبه ستاد ملی مدیریت کرونا که به تأیید رئیس‌جمهور رسیده است، کاهش حضور دو سوم کارکنان از طریق نوبت‌بندی و اعطای مرخصی صورت گرفته و این مرخصی جزو مرخصی استحقاقی کارکنان محسوب نخواهد شد.

ستاد ملی مدیریت کرونا را به کلیه دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری ابلاغ کرد. در این بخشنامه تصریح شده است: وزرا و روسای دستگاه‌های اجرایی ضمن تعیین و اعلام عنوانی خدمات عمومی ضروری حوزه مسئولیت دستگاه متبوع خود، نسبت به شیفت‌بندی کارکنان به نحوی اقدام کنند که خدمات عمومی ضروری با حضور روزانه حداقل یک سوم کارکنان ارائه شود. در این بخشنامه آمده است: تعداد کارکنان حاضر در محیط‌های اداری از طریق نوبت‌بندی و اعطای مرخصی و یا انجام دور کاری به میزان تا دو سوم کاهش یابد.

یادآور می‌شود ستاد ملی مدیریت کرونا در بند ۱۰ صوبه ۵ فروردین ۱۳۹۹ که به تأیید رئیس‌جمهور رسیده، آورده است: با توجه به ضرورت تداوم ارائه خدمات عمومی در عین کاهش تردد و تجمع، با تشخیص وزرا، روسای سازمان‌ها و مدیران در کلیه دستگاه‌های اجرایی و بانک‌ها و بیمه‌ها به گونه‌ای عمل شود که حداقل یک سوم نیروها به طریق شیفت‌بندی تا ۱۵ فروردین در محل کار حضور یابند و بقیه به صورت دور کاری به خدمات خود ادامه دهند یا به آنان مرخصی اعطا شود.